



دانشگاه هرمزگان

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده

عنوان پایان نامه:

نقش پیش‌بینی‌کننده‌ی ترتیب تولد و ویژگی‌های شخصیتی بر رضایت زناشویی زنان متأهل شهرستان بروجرد

استاد راهنما:

دکتر سید رضا فلاح‌چای

استاد مشاور:

دکتر اقبال زارعی

نگارش:

نسیم زندی

شهریور ۱۳۹۹

نام بعضی نفرات رزق روحم شده است، جرأت‌م می‌بخشد، روشنم می‌دارد.....

تقدیم به آنان

تقدیم به آنان که وجودم جز هدیه وجودشان نیست

پدر و مادر عزیزم

که مسیح‌وار با صبرشان در تمامی لحظات رفیق راهم بودند.

و

تقدیم به خواهر و برادر بهتر از جانم.

## تقدیر و تشکر

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه‌ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاری، اما از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تأمین می‌کند و سلامت امانت‌هایی را که به دستش سپرده‌اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب " من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عز و جل "

از پدر و مادر عزیزم... این دو معلم بزرگوارم... که همواره بر کوتاهی و درشتی من، قلم عفو کشیده و کریمانه از کنار غفلت‌هایم گذشته‌اند و در تمام عرصه‌های زندگی یار و یابوری بی‌چشم‌داشت برای من بوده‌اند.

یک ایران سپاس از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر سید رضا فلاح‌چای که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند، و از استاد فرزانه و دلسوز؛ جناب آقای دکتر اقبال زارعی که زحمت مشاوره‌ی این رساله را متقبل شدند. ضرورت دارد که از همکاری‌آقای رضا زندی و خانم‌هاسمیرا زندی و لیلا عزیزپور، که در طول این مسیر با همکاری‌های خود بسیار به این حقیر کمک کرده‌اند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. امید آن است که لحظه‌لحظه‌ی زندگی ایشان قرین سلامتی و سعادت باشد.

نسیم زندی

## چکیده:

پژوهش حاضر، با هدف شناسایی نقش پیش‌بینی‌کننده‌های ترتیب تولد و ویژگی‌های شخصیتی ( پنج عامل اصلی شامل روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، باز بودن به تجربه، توافق و وجدانی بودن) بر رضایت زناشویی انجام شد. این پژوهش به روش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی زنان متأهل شهرستان بروجرد بود. نمونه‌ی مورد مطالعه ۲۵۵ نفر شامل ۱۰۰ نفر فرزند اول، ۱۰۰ نفر فرزند میانی، ۵۵ نفر فرزند آخر که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ، پرسشنامه پنج عاملی شخصیتی (NEO-FFI) و پرسشنامه محقق ساخته جمعیت‌شناسی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی اتا و تحلیل رگرسیون تک متغیره و چندگانه انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین رضایت زناشویی و وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و خوشایندی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد و فرض وجود رابطه بین این متغیرها در سطح بالاتر از ۹۹ درصد پذیرفته شده است، ولی رابطه‌ی بین رضایت زناشویی و گشودگی یافت نشد. تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی، خوشایندی، وظیفه‌شناسی ۰/۳۲ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. همچنین نتایج به دست آمده از ضریب  $\beta$  نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل روان‌رنجورخویی، خوشایندی و وظیفه‌شناسی تأثیر معناداری بر رضایت زناشویی دارند. همچنین یافته‌های مربوط به متغیر ترتیب تولد بر رضایت زناشویی، با استفاده از ضریب اتا نشان‌دهنده‌ی این نتایج بود که بین ترتیب تولد و رضایت زناشویی زنان متأهل رابطه‌ی ضعیفی وجود داشت. تحلیل رگرسیون تک متغیره نشان داد که متغیر ترتیب تولد پیش‌بینی‌کننده‌ی خوبی برای رضایت زناشویی نبوده و تنها ۰/۰۳۷ از واریانس متغیر ملاک یعنی رضایت زناشویی را تبیین می‌کند. یافته‌ها اهمیت عوامل شخصیتی را در تبیین رضایت زناشویی خاطر نشان می‌سازد.

کلید واژه: رضایت زناشویی، ترتیب تولد، ویژگی‌های شخصیتی

## «فهرست مطالب»

صفحه

عنوان

### فصل اول: طرح پژوهش

- ۱-۱- مقدمه..... ۲
- ۱-۲- بیان مسأله..... ۳
- ۱-۳- اهمیت موضوع پژوهش..... ۷
- ۱-۴- اهداف پژوهش..... ۱۰
- ۱-۵- فرضیه‌های پژوهش..... ۱۱
- ۱-۶- تعریف واژه‌ها و اصطلاحات..... ۱۱

### فصل دوم: پیشینه پژوهش

- ۱-۲- مقدمه..... ۱۴
- ۲-۲- رضایت زناشویی..... ۱۴
- ۳-۲- نظریه‌های رضایت زناشویی..... ۱۷
- ۱-۳-۲- رویکرد روان‌پویایی..... ۱۷
- ۲-۳-۲- رویکرد رفتارگرایی..... ۱۷
- ۳-۳-۲- رویکرد شناختی..... ۱۸
- ۴-۳-۲- رویکرد لیوانز و اسپانر..... ۱۸
- ۵-۳-۲- رویکرد مبادله‌ی اجتماعی..... ۱۹
- ۶-۳-۲- رویکرد آسیب‌پذیری، تنیدگی و سازش..... ۱۹

- ۲۰-۷-۳-۲- رویکرد یادگیری اجتماعی ..... ۲۰
- ۲۰-۸-۳-۲- نظریه عمل متقابل و نقش تعارض ..... ۲۰
- ۲۰-۴-۲- عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی ..... ۲۰
- ۲۰-۱-۴-۲- مهارت ارتباطی ..... ۲۰
- ۲۲-۲-۴-۲- رابطه جنسی ..... ۲۲
- ۲۳-۳-۴-۲- تعهد ..... ۲۳
- ۲۳-۴-۴-۲- صمیمیت ..... ۲۳
- ۲۴-۵-۴-۲- سن ازدواج ..... ۲۴
- ۲۵-۶-۴-۲- تعداد فرزندان ..... ۲۵
- ۲۷-۵-۲- شخصیت و تعریف آن ..... ۲۷
- ۲۷-۶-۲- رویکردهای نظری شخصیت ..... ۲۷
- ۲۷-۱-۶-۲- رویکرد روان تحلیلی ..... ۲۷
- ۲۹-۲-۶-۲- رویکرد روان شناسی فردنگر ..... ۲۹
- ۲۹-۳-۶-۲- رویکرد تحلیلی یونگ ..... ۲۹
- ۳۰-۴-۶-۲- رویکرد رفتارگرایی ..... ۳۰
- ۳۱-۵-۶-۲- رویکرد انسان گرایی ..... ۳۱
- ۳۱-۱-۵-۶-۲- نظریه مزلو ..... ۳۱
- ۳۱-۲-۵-۶-۲- نظریه راجرز ..... ۳۱
- ۳۲-۶-۶-۲- رویکرد سنخ شناسی ..... ۳۲

- ۳۴..... ۷-۶-۲- رویکرد صفات
- ۳۴..... ۱-۷-۶-۲- نظریه آپورت
- ۳۶..... ۲-۷-۶-۲- نظریه کتل
- ۳۷..... ۳-۷-۶-۲- نظریه آیزنک
- ۳۸..... ۴-۷-۶-۲- نظریه کاستا و مک کرا
- ۴۱..... ۷-۲- ترتیب تولد
- ۴۲..... ۱-۷-۲- نظریه آدلر
- ۴۳..... ۱-۱-۷-۲- شخصیت فرزندان اول
- ۴۴..... ۲-۱-۷-۲- شخصیت فرزندان دوم
- ۴۴..... ۳-۱-۷-۲- شخصیت فرزندان آخر
- ۴۵..... ۴-۱-۷-۲- شخصیت تک فرزندان
- ۴۶..... ۲-۷-۲- نظریه بوئن
- ۴۷..... ۳-۷-۲- مدل پویایی‌های خانوادگی
- ۴۷..... ۱-۳-۷-۲- نظریه رقیق‌شدگی
- ۴۸..... ۲-۳-۷-۲- هویت‌یابی و اکتساب
- ۴۸..... ۸-۲- همبسته‌های بین رضایت زناشویی و شخصیت
- ۴۹..... ۹-۲- پیشینه تحقیقات مربوط به رضایت زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی (خارجی)
- ۵۰..... ۱۰-۲- پیشینه تحقیقات مربوط به رضایت زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی (داخلی)
- ۵۲..... ۱۱-۲- پیشینه تحقیقات مربوط به رضایت زناشویی و ترتیب تولد (خارجی)

۱۲-۲- پیشینه تحقیقات مربوط به ویژگی‌های شخصیت و ترتیب تولد (خارجی) ..... ۵۳

۱۳-۲- پیشینه تحقیقات مربوط به ویژگی‌های شخصیت و ترتیب تولد (داخلی)..... ۵۵

۱۴-۲- خلاصه و جمع‌بندی ..... ۵۵

### فصل سوم: روش پژوهش

۱-۳- مقدمه ..... ۵۷

۲-۳- روش تحقیق ..... ۵۷

۳-۳- متغیرهای پژوهش ..... ۵۷

۴-۳- جامعه آماری پژوهش ..... ۵۷

۵-۳- نمونه پژوهش و روش نمونه‌گیری ..... ۵۷

۱-۵-۳- تعیین حجم نمونه ..... ۵۷

۶-۳- ابزار جمع‌آوری اطلاعات ..... ۵۸

۱-۶-۳- پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ..... ۵۸

۱-۱-۶-۳- نمره‌گذاری پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ..... ۵۸

۲-۱-۶-۳- ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ..... ۶۰

۳-۱-۶-۳- روایی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ..... ۶۰

۴-۱-۶-۳- پایایی پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ..... ۶۱

۲-۶-۳- پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو ..... ۶۲

۱-۲-۶-۳- نمره‌گذاری پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو ..... ۶۲

۲-۲-۶-۳- ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو ..... ۶۳



۳-۲-۶-۳- روایی پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو ..... ۶۳

۳-۲-۶-۴- پایایی پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو ..... ۶۴

۳-۷- روش اجرای پژوهش ..... ۶۴

۳-۸- روش آماری برای تحلیل داده‌ها ..... ۶۵

#### فصل چهارم: یافته‌ها

۴-۱- مقدمه ..... ۶۷

۴-۲- یافته‌های توصیفی ..... ۶۷

۴-۳- یافته‌های استنباطی ..... ۷۷

#### فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

۵-۱- بحث و نتیجه‌گیری ..... ۹۳

۵-۲- تبیین یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش ..... ۹۳

۵-۳- محدودیت‌های پژوهش ..... ۹۷

۵-۴- پیشنهاد‌های پژوهش ..... ۹۸

#### منابع

منابع فارسی ..... ۱۰۱

منابع انگلیسی ..... ۱۰۶

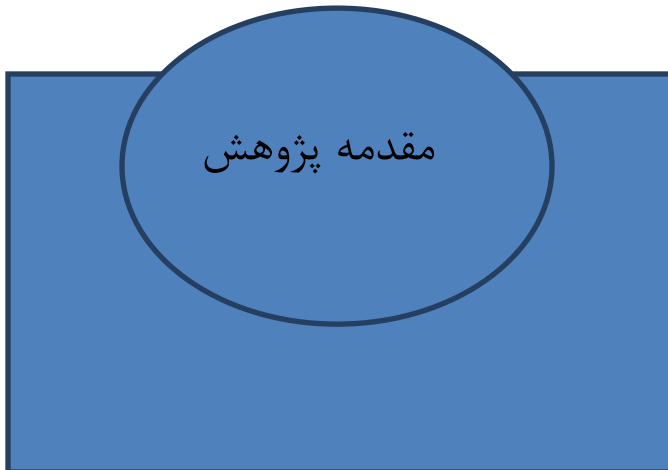
پیوست‌ها ..... ۱۱۳

## «فهرست جداول»

صفحه	عنوان
۶۷.....	جدول ۴-۱- آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر سن پاسخ‌گویان
۶۸.....	جدول ۴-۲- توزیع فراوانی مربوط به متغیر سن پاسخ‌گویان
۶۹.....	جدول ۴-۳- آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر سطح تحصیلات پاسخ‌گویان
۷۰.....	جدول ۴-۴- آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر شغل پاسخ‌گویان
۷۱.....	جدول ۴-۵- آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر تعداد خواهران و برادران
۷۱.....	جدول ۴-۶- توزیع فراوانی تعداد خواهران و برادران پاسخ‌گویان
۷۲.....	جدول ۴-۷- آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر مدت ازدواج پاسخ‌گویان
۷۳.....	جدول ۴-۸- توزیع فراوانی مدت زمان ازدواج پاسخ‌گویان
۷۴.....	جدول ۴-۹- آماره‌های توصیفی مربوط به ترتیب تولد پاسخ‌گویان
۷۴.....	جدول ۴-۱۰- آماره‌های توصیفی مربوط به ترتیب تولد همسران پاسخ‌گویان
۷۵.....	جدول ۴-۱۱- توزیع فراوانی پاسخ‌گو بر حسب وضعیت تک فرزندی
۷۶.....	جدول ۴-۱۲- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان براساس متغیر ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد آن
۷۷.....	جدول ۴-۱۳- میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره‌های متغیر رضایت زناشویی و ابعاد آن
۷۸.....	جدول ۴-۱۴- پیش‌بینی «رضایت زناشویی» از طریق «ویژگی‌های شخصیتی»
۷۹.....	جدول ۴-۱۵- پیش‌بینی «ابعاد رضایت زناشویی» از طریق «ابعاد ویژگی‌های شخصیتی»
۸۰.....	جدول ۴-۱۶- تجزیه واریانس رگرسیون تک متغیره ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی

- جدول ۴-۱۷- نتایج حاصله از رگرسیون تک متغیره فرضیه‌ی پیش‌بینی رضایت زناشویی از طریق سهم ویژگی‌های شخصیتی ..... ۸۰
- جدول ۴-۱۸- تجزیه واریانس رگرسیون چند متغیره ابعاد ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی..... ۸۱
- جدول ۴-۱۹- نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره ویژگی‌های شخصیتی ..... ۸۱
- جدول ۴-۲۰- ضریب اتا مربوط به رابطه‌ی رضایت زناشویی و ترتیب تولد ..... ۸۳
- جدول ۴-۲۱- آزمون اتا مربوط به رابطه‌ی ابعاد رضایت زناشویی و ترتیب تولد ..... ۸۴
- جدول ۴-۲۲- تجزیه واریانس رگرسیون متغیرهای ترتیب تولد و رضایت زناشویی ..... ۸۵
- جدول ۴-۲۳- نتایج حاصله از رگرسیون تک متغیره ترتیب تولد..... ۸۵
- جدول ۴-۲۴- آزمون اتا مربوط به رابطه‌ی «ویژگی‌های شخصیتی» با «ترتیب تولد» ..... ۸۶
- جدول ۴-۲۵- آزمون اتا مربوط به رابطه‌ی «ابعاد ویژگی‌های شخصیتی» با «ترتیب تولد» ..... ۸۷
- جدول ۴-۲۶- تجزیه واریانس رگرسیون متغیرهای ترتیب تولد و ویژگی‌های شخصیتی ..... ۸۹
- جدول ۴-۲۷- نتایج حاصله از رگرسیون تک متغیره ترتیب تولد و ویژگی‌های شخصیتی..... ۸۹
- جدول ۴-۲۸- آزمون اتا مربوط به رضایت زناشویی فرزندان اول و ترتیب تولد همسران‌شان..... ۹۰
- جدول ۴-۲۹- ضریب اتا مربوط به رابطه‌ی رضایت زناشویی فرزندان میانی و ترتیب تولد همسران‌شان..... ۹۰
- جدول ۴-۳۰- ضریب اتا مربوط به رابطه‌ی رضایت زناشویی فرزندان آخر و ترتیب تولد همسران‌شان..... ۹۱

## فصل اول



مقدمه

بیان مسئله

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهداف تحقیق

فرضیات تحقیق

تعریف عملیاتی و مفهومی

خانواده یکی از نهادهای مهم جامعه بشری است که زیربنایی‌ترین و اولین نهاد اجتماع به شمار می‌رود. تأثیر خانواده بر رشد، تعادل و شکوفایی افراد و جامعه به حدی است که هیچ صاحب‌نظری نمی‌تواند آن را انکار کند. آخرین دین الهی یعنی اسلام، در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی، دستورها و آموزه‌های مفیدی ارائه کرده است. در این دین، ازدواج و خانواده محبوب‌ترین و عزیزترین نهاد بشری نزد خداوند اعلام شده است (سالاری‌فر، ۱۳۹۰). ازدواج رابطه‌ی منحصر به فرد است؛ در رابطه‌ی زوجی، هر یک از دو عضو زوج می‌توانند عمیق‌ترین احساس صمیمیت را تجربه کنند (نظری، ۱۳۹۱). یکی از اهداف اصلی تحقیقات درباره‌ی روابط بین زوج‌ها پیش‌بینی رضایت زناشویی با مشخص کردن عواملی است که بر کیفیت تعامل بین زوج‌ها تأثیر می‌گذارد (چرانیا<sup>۱</sup> و آیکس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). در مطالعات مربوط به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زناشویی، دو دیدگاه مطرح شده است، دیدگاه درون شخصی و دیدگاه بین شخصی. از دیدگاه درون شخصی، صفات شخصیتی عامل مهم تأثیرگذار بر عملکرد زناشویی است، در حالی که براساس دیدگاه بین‌فردی، تعامل‌های زوجین با یکدیگر بر کنش زناشویی آن‌ها تأثیر دارد. بسیاری از پژوهش‌گران براساس دیدگاه تلفیقی معتقدند که هر دو عامل (تعامل‌های بین شخصی و صفات شخصیتی) در کیفیت روابط زوجین اهمیت دارند (برادبری<sup>۳</sup> و فین‌چام<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸). شخصیت بیانگر آن دسته از ویژگی‌های فردی است که الگوی ثابت رفتاری آن‌ها را نشان می‌دهد (پروین لارنس<sup>۵</sup>، ۱۹۸۹). اگرچه خصوصیات شخصیتی زیادی وجود دارد، اما از جمله مهم‌ترین و بانفوذترین مدل‌ها در بررسی صفات شخصیت در دهه‌های اخیر مدل پنج عاملی (درون‌گرایی، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی، خوشایندی، گشودگی) بوده است که بیش از همه، پژوهش در حوزه‌ی شخصیت را به خود اختصاص داده است (شاکریان و همکاران، ۱۳۹۰). می‌توانیم توجه به شخصیت افراد چگونگی واکنش آن‌ها را در موقعیت‌های مختلف پیش‌بینی کنیم (عطاری و همکاران، ۱۳۸۶). برادبری<sup>۶</sup> و فین‌چام<sup>۷</sup> (۱۹۸۸)، نیز بر این باورند که الگوهای تعاملی زوجین متأثر از ویژگی‌های شخصیتی آنان است. ترتیب تولد هم می‌تواند نقش کلیدی را در زندگی افراد بازی کند. این که فرد اولین نور دیده‌ی خانواده باشد یا این که بعد از چند خواهر و برادر به دنیا آمده باشد تا حدودی می‌تواند سرنوشت عاطفی فرد را تعیین کند (شعبی، ۱۳۹۲). این ادعا توسط پژوهش‌گران

---

<sup>1</sup>-Charnia, M.R

<sup>2</sup>-Ickes, W

<sup>3</sup>- Bradbury, T.N

<sup>4</sup>- Fincham, F.D

<sup>5</sup>-Perwin Lawrence, j

<sup>6</sup>- Bradbury, T.N

<sup>7</sup>- Fincham, F.D

متعدد به چالش کشیده شده است (هارتسورن و هارتسورن، ۲۰۰۹). هدف از پژوهش حاضر نیز تعیین نقش هر یک از متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و ترتیب تولد بر رضایت زناشویی است.

## ۱-۲- بیان مسأله

خانواده چیزی بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی خاص به سر می‌برند، یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. خانواده‌های برخوردار از روابط سالم موجب شکوفایی توان بالقوه‌ی تک تک اعضای خود می‌گردند. در چنین نظامی افراد به وسیله‌ی علایق و دلبستگی‌های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل به یکدیگر متصل شده‌اند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۹۹۱، ترجمه شاهی و همکاران، ۱۳۸۶). انسان‌ها به دلایل مختلف ازدواج می‌کنند. در کنار تمایلات جنسی که مسائل اولیه هستند، عشق، امنیت اقتصادی، همنشینی، محافظت، امنیت عاطفی، فرار از تنهایی، علایق مشترک و داشتن فرزند بعضی از مواردی هستند که می‌تواند باعث گرایش یک شخص به ازدواج شود (جانیتوس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). ازدواج اساسی‌ترین و مهم‌ترین رابطه‌ی انسانی توصیف شده (گراندون، ۲۰۰۴) و مسئله مهم در آن رضایت زناشویی است که در تعریف آن کارشناسان توافق نظر دارند که رضایتمندی زناشویی به ارزیابی ذهنی دو طرف از کیفیت رابطه اشاره دارد (تیلور<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴). وینچو همکارانش<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، بر این باورند که رضایت زناشویی انطباق میان وضعیتی که وجود دارد و وضعیتی که مورد انتظار است، می‌باشد. رضایت از طریق علاقه‌ی متقابل، مراقبت از یکدیگر، پذیرش، درک یکدیگر و ارضای نیازها ایجاد می‌شود (سینها و همکاران<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰). زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و کیفیت روابطشان راضی هستند، وقت و مسائل مالی خودشان را به خوبی برنامه‌ریزی می‌کنند (گریف<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰). عوامل زیادی می‌تواند در رضایت زناشویی مؤثر باشد و هرکس با توجه به نگرش ویژه‌ی خود و یا بر اساس نتایج پژوهش‌هایش، عواملی را برای رضایت زناشویی بیان می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۰). یک توافق عمومی وجود دارد که خصوصیات شخصیتی نقش مهمی در نتایج مثبت یا منفی رضایت زناشویی دارد (کوسک<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶؛ کاردک<sup>۷</sup>، ۱۹۹۳؛ نمچک<sup>۸</sup> و السون<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹؛ راسل<sup>۱۰</sup> و ولز<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۴؛ بوچارد<sup>۱۲</sup>،

<sup>۱</sup>-janetius, T

<sup>۲</sup>-Taylor, S.E

<sup>۳</sup>- winch et al

<sup>۴</sup>- Sinha et al

<sup>۵</sup>-Greef, A.P

<sup>۶</sup>-Kosek, B.R

<sup>۷</sup>-Kurdek, L.A

<sup>۸</sup>- Nemechek.S

<sup>۹</sup>- Olson, D.H

<sup>۱۰</sup>- RusseL, R.J.H

<sup>۱۱</sup>- Wells, P.A

بوچارد<sup>۱</sup>، لوسیر<sup>۲</sup> و جنیویو<sup>۳</sup>، (۱۹۹۹). لوسیر<sup>۴</sup> و جنیویو<sup>۵</sup> (۱۹۹۱)، معتقدند شخصیت به صورت مستقیم و به عنوان عاملی تأثیرگذار در فرایند ارتباطی زوجها اثر می‌گذارد و بالطبع رضایت زناشویی زوجها را نیز متأثر می‌سازد (کاگلین<sup>۶</sup>، هاستون<sup>۷</sup> و هاست<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰). پژوهش هاستون<sup>۹</sup>، کاگلین<sup>۱۰</sup>، اسمیت<sup>۱۱</sup> و جورج<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۱)، نشان داد که شخصیت از پیش‌بینی‌کننده‌های کلیدی موفقیت و عدم کارکرد صحیح رابطه به شمار می‌رود (رازقی، ۱۳۹۰). در سال‌های اخیر، با توسعه‌ی روش‌های پیچیده‌ی آماری، رویکرد صفت بر مطالعات حوزه‌ی شخصیت تسلط پیدا کرده است. یکی از اولین نظریه‌های رویکرد صفت، نظریه‌ی آیزنک است که شخصیت را متشکل از سه بعد برون‌گرایی- درون‌گرایی، نوروژگرای- پایداری هیجانی و پسیکوزگرای- کنترل تکانه در نظر گرفت. بعدها کتل با بهره‌مندی از روش تحلیل عاملی، شانزده عامل را برای شخصیت مطرح کرد (احدی، ۱۳۸۴). مک‌کری و کاستا، پنج عامل شخصیت معروف به (پنج عامل نیرومند) یا (پنج بزرگ) را شناسایی کردند که شامل روان‌رنجورخویی (نگران، نایمن، عصبی، بسیار دلشوره‌ی)، برون‌گرایی (مردم‌آمیز، پرحرف، لذت‌جو، بامحبت)، گشودگی (مبتکر، مستقل، سازنده، شجاع)، خوشایندی (خوش‌قلب، دلسوز، مؤدب)، وظیفه‌شناسی (بادقت، قابل اعتماد، سخت‌کوش، منظم) است (شولتز<sup>۱۳</sup> و شولتز<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۰، ترجمه‌ی سیدمحمدی، ۱۳۸۴).

ترتیب تولد نیز یک موضوع پیچیده در زمینه روان‌شناسی است، بسیاری از پژوهش‌گران برای مشخص کردن خصوصیات ویژه شخصیت براساس ترتیب تولد تلاش زیادی کرده‌اند اما هنوز به توافق جامع و روشنی در این رابطه نرسیده‌اند، وجود اثرات ترتیب تولد در نوع خودش جالب است و ممکن است کاربردهای عملی نیز داشته باشد (هارتسون<sup>۱۵</sup> و هارتسون<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۹). آدلر، عنوان کرد که ترتیب تولد تأثیر ثابتی بر شیوه‌ی زندگی (نحوه‌ی برخورد همیشگی یک فرد با تکالیف زندگی از جمله دوستی، شغل و عشق) دارد (برجعی و همکاران، ۱۳۸۹).

---

<sup>1</sup>- Bouchard.G

<sup>2</sup>- Lussier.h

<sup>3</sup>- Genevieve, k

<sup>4</sup>- Lussier.h

<sup>5</sup>- Genevieve, k

<sup>6</sup>- Caughlin,J.P

<sup>7</sup>- Huston,T.L

<sup>8</sup>- Houts,R.M

<sup>9</sup>- Huston,T.L

<sup>10</sup>- Caughlin,J.P

<sup>11</sup>- Smith,S.E

<sup>12</sup>- George.L.J

<sup>13</sup>- Schultz,D.P

<sup>14</sup>- Schultz,S.E

<sup>15</sup>- Hartshorne, J.H

<sup>16</sup>- Hartshorne, N.S

شولمن<sup>۱</sup> و موساک<sup>۲</sup> (۱۹۷۷)، از موقعیت فرد در کانون خانواده یا همان ترتیب تولد، دو تعریف ارائه کرده‌اند: تعریف اول که اشاره به جایگاه واقعی تولد نسبت به خواهر و برادرها دارد و تعریف دوم که به موقعیت روانی و نقش کودک در تعاملاتش با دیگران اشاره دارد (دانیل<sup>۳</sup> و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). این عقیده که ترتیب تولد، ویژگی‌های بین فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نظر جدیدی نیست، در سال ۱۸۷۴ فرانسیس گالتون پیشنهاد کرد، دانشمندان برجسته بیشتر از فرزندان اول خانواده هستند تا فرزندان بعدی (هارتسون و همکاران، ۲۰۰۷). یکی از خدمات‌های ماندنی آلفرد آدلر نیز اعتقاد به این بود که ترتیب تولد تأثیر اجتماعی مهمی در کودکی است، تأثیری که سبک زندگی خود را از آن به وجود می‌آوریم. با وجود این که همشیرها والدین یکسانی دارند و در یک خانه زندگی می‌کنند، محیط‌های اجتماعی همانندی ندارند. بزرگ‌تر یا کوچک‌تر بودن از همشیرهای دیگر و قرار داشتن در معرض نگرش‌های مختلف والدین، شرایط کودکی مختلفی را به وجود می‌آورد که به تعیین نمودن شخصیت کمک می‌کند (شولتز و شولتز، ۱۹۹۰؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۴). آدلر برای ترتیب تولد، پنج جایگاه روان‌شناختی را مشخص کرد: فرزند اول، فرزند دوم از فقط دو فرزند در خانواده، فرزند میانی، فرزند آخر، تک فرزند (کوری<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵، ترجمه‌ی سید محمدی، ۱۳۹۰). فرزندان اول برای مدتی در موقعیت بی‌نظیر و حسادت برانگیزی قرار دارند. اغلب به گذشته گرایش دارند، حسرت گذشته را می‌خورند و نسبت به آینده بدبین هستند. علاقه‌ی عجیبی به حفظ نظم و اقتدار دارند. در مورد جزئیات، وظیفه‌شناس هستند، از نظر نگرش خودکامه و محافظه‌کار هستند. فرزندان دوم قدرت را تجربه نکرده‌اند و علاقه‌ی نیز به تجربه‌ی آن ندارند. درباره‌ی آینده خوش‌بین‌تر هستند و احتمالاً رقابت طلب می‌شوند. فرزندان آخر اغلب محبوب خانواده می‌شوند و در بزرگسالی در هر کاری که به عهده می‌گیرند غالباً پیشرفت زیادی دارند. اگر فرزندان آخر بیش از حد نازپرورده بار آمده باشند، برعکس این حالت ممکن است اتفاق بیفتد. تک فرزندان هرگز جایگاه برتر و قدرتی را که در خانواده دارند از دست نمی‌دهند، غالباً زودتر جا می‌افتند و رفتارها و نگرش‌های بزرگسال را نشان می‌دهند (شولتز و شولتز، ۱۹۹۰، سیدمحمدی، ۱۳۸۴). بوئن نیز از خانواده‌درمان‌گرانی است که در زمینه‌ی تأثیر جایگاه همشیرها در فرایند عاطفی خانواده‌های هسته‌ی، صحنه می‌گذارد. تامن نیز چنین فرض کرده بود که کودکان براساس ترتیب تولدشان، ویژگی‌های شخصیتی ثابت و معینی را در خانواده پدیدار می‌سازند. او اظهار داشت که هر چه یک ازدواج به نحو بهتری جایگاه فرد را در دوران کودکی بازنمایی کند، احتمال موفقیت آن بیشتر خواهد بود. مثلاً فرزندان اول ازدواج خوبی با فرزندان دوم خواهند داشت و کوچک‌ترین فرزند باید با

<sup>1</sup>- Shulman

<sup>2</sup>- Mosak

<sup>3</sup>- Daniel et al

<sup>4</sup>-Corey, G



بزرگ‌ترین فرزند ازدواج کند (گلدنبرگ<sup>۱</sup> و گلدنبرگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱، ترجمه‌ی شاهی و همکاران، ۱۳۸۶). ازدواج دو فرد سلطه‌طلب با هم می‌تواند آن‌ها را با چالش‌هایی روبه‌رو کند. بچه‌های آخری که همیشه عادت داشته‌اند که دیگران مشکلاتشان را برطرف کنند، ممکن است از پس حل مشکلات مشترک برنیایند و زود دلسرد و ناامید شوند (شعیبی، ۱۳۹۲). گرچه به نظر می‌رسد صفات شخصیتی با افزایش و کاهش فراوانی و شدت تعاملی مختلف بر رضایت زناشویی تأثیرگذار است، با این حال در زمینه رابطه پنج عامل شخصیت و رضایت زناشویی، پژوهش‌ها به بررسی نوروزگرایی و رضایت زناشویی متمرکز گشته‌اند و چگونگی رابطه عوامل دیگر شخصیت با کیفیت روابط زوجین چندان مورد مطالعه قرار نگرفته است (بوچارد<sup>۳</sup>، لوسیر<sup>۴</sup> و سبورین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹؛ کارنی<sup>۶</sup> و برادبوری<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵؛ رابینز<sup>۸</sup>، گاسپی<sup>۹</sup> و مفیت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۲). البته برخی از پژوهش‌گران به بررسی رابطه پنج عامل شخصیت و رضایت زناشویی پرداخته‌اند. تحقیقات شیونا<sup>۱۱</sup> و لوینسون<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۷)، عباسی و همکاران (۱۳۸۹)، احدی (۱۳۸۷)، وظیفه‌شناسی زوجین را پیش‌بینی کننده خوبی برای رضایت‌مندی زناشویی می‌دانند. پژوهش محمدزاده ابراهیمی (۱۳۸۶)، مؤید آن است که ویژگی‌های شخصیتی مقبولیت و برون‌گرایی، افزایش رضایت زوجین از زندگی زناشویی را به همراه دارد. کارنی<sup>۱۳</sup> و برادبری<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۵)، براین باورند که رگه‌های شخصیتی چون ناپایداری احساسی یا نوروزگرایی، آسیب‌پذیری‌های دائمی را به دنبال دارند که چگونگی سازش‌یافتگی زوجین یا تجربه‌های پر تنش، تأثیرگذار بوده و بدین ترتیب رضایت از رابطه را به وجود خواهند آورد. سالووی<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۶، ۲۰۰۱)، در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که ترتیب تولد بر شخصیت تأثیر می‌گذارد و فرزندان اول کمال‌گراتر و روان‌رنجورتر از فرزندان بعدی می‌شوند. در این رابطه ملیسا و همکاران<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۸)، در یک مطالعه که به منظور بررسی رابطه بین ابعاد شخصیت با ترتیب تولد در خانواده‌های بزرگ و پر جمعیت انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که فرزندان آخر و سه فرزند کوچک خانواده، برون‌گراتر از فرزندان اول و سه

<sup>1</sup>- Goldenberg ,I

<sup>2</sup>- Goldenberg, H

<sup>3</sup>- Bochard,G

<sup>4</sup>- Lussier, y

<sup>5</sup>- Sabourin,s

<sup>6</sup>- Karney, R

<sup>7</sup>- Bradbury,T.N-

<sup>8</sup>- Robins,S.W

<sup>9</sup>- Caspi,a

<sup>10</sup>- Moffitt,t.E

<sup>11</sup>- Shiota,MN

<sup>12</sup>- Levenson,RW

<sup>13</sup>- Karney, R

<sup>14</sup>- Bradbury,T.N

<sup>15</sup>-Sulloway,F.J

<sup>16</sup>- Melissa, et al

فرزند بزرگ خانواده هستند. بر این اساس برخی از تحقیقات در زمینه‌ی رابطه‌ی شخصیت با ترتیب تولد پیشنهاد کرده‌اند که تقریباً ۳۵ درصد از واریانس شخصیت را می‌توان براساس ترتیب تولد تبیین کرد. در مقابل این یافته‌ها، میکالسکی<sup>۱</sup> و شاکلفورد<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، در تحقیقی روی ۲۷۷ نفر از دانشجویان ارتباطی را بین وظیفه‌شناسی، ثبات هیجانی و برون‌گرایی با وضعیت فرزند اول بودن گزارش نکردند در حالی که بین فرزند اول بودن و توافق جویی رابطه وجود داشته است که این نتایج درست بر خلاف نتایج تحقیقات سالووی بوده است. جفرسون<sup>۳</sup>، هریست<sup>۴</sup> و مک کری<sup>۵</sup> (۱۹۹۸)، نیز ارتباطی را بین ابعاد شخصیت و ترتیب تولد پیدا نکردند. این عدم ارتباط در یافته اسکینر<sup>۶</sup> (۲۰۰۳)، در یک تحقیق از نوع طرح بین خانوادگی نیز گزارش شده است. با توجه به این‌که با بررسی‌های انجام شده و گزارش شده به رابطه‌ی متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و ترتیب تولد با رضایت زناشویی، مورد مطالعه قرار نگرفته است، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که سهم هر کدام از ویژگی‌های شخصیتی و ترتیب تولد در پیش‌بینی رضایت زناشویی در شهر بروجرد چقدر است؟ و ترتیب تولد و ویژگی‌های شخصیتی چقدر قادرند واریانس متغیر رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند؟

### ۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

مطالعه‌ی علمی رضایت زناشویی توجه جالبی را از دهه ۱۹۹۰ تاکنون پیدا کرده است (احمدی، ۱۳۸۲). عوامل متعددی رضایتمندی زناشویی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. مطالعات انجام شده، هر یک اثر جنبه‌ی خاصی از ویژگی‌های فردی و اجتماعی را در کیفیت زندگی مشترک مورد پژوهش قرار داده‌اند (احدی، ۱۳۸۸). بیشتر پژوهش‌هایی که در کشور ما در زمینه‌ی علل گسست پیوندهای زناشویی و نارضایتی زوجین از زندگی زناشویی صورت گرفته بر متغیرهای کلان از جمله وضعیت اقتصادی، کاهش درآمد خانواده، بیکاری، سطح تحصیلات، مذهب، سن و چالش‌های فرهنگی- اجتماعی تأکید نموده‌اند. در حالی که نقش این عوامل را در افزایش نارضایتی‌ها و ناسازگاری‌های زناشویی نمی‌توان نادیده گرفت، اکثر پژوهش‌گران از عوامل درون فردی یعنی صفات و ویژگی‌های شخصیتی که در دراز مدت و به صورت پایدار رضایت زوجین از زندگی مشترک را متأثر می‌سازد، غفلت کرده‌اند (بنتلر و نیوکمپ، ۱۹۹۸). دونلان و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۰۴)، با اشاره به تحقیقات متعدد انجام شده، بر این نکته تأکید دارند که رضایت زناشویی بیش از همه، از ویژگی‌های شخصیتی زوجین متأثر است.

<sup>۱</sup>- Michalski R.L

<sup>۲</sup>- Shachelford, T.K

<sup>۳</sup>- Jefferson, T.J

<sup>۴</sup>- Herbst, J.H

<sup>۵</sup>- Mccrae, E.R.R

<sup>۶</sup>- Skinner

<sup>۷</sup>- Donnellan et al

شاکلفورد، بیسر و کوتیر (۲۰۰۷)، نشان دادند افرادی که همسران با سازگاری و مسئولیت‌پذیری پایین دارند، کمتر از زندگی و وضعیت زناشویی خود رضایت دارند. جنوس<sup>۱</sup> و استفان<sup>۲</sup> (۱۹۹۹)، در نتایج تحقیقات خود نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی‌کننده‌ی مهمی در کارکرد خانواده است. بارلدز<sup>۳</sup> (۲۰۰۶)، نیز نشان داد که همسران درگیر و آشفته، روان‌رنجورتر و درون‌گراتر هستند و برون‌گرایی، ارتباط مثبتی با کیفیت زندگی دارد (بهبودی و همکاران، ۱۳۸۸). با توجه به مطالعات و پژوهش‌های انجام شده، شناخت عوامل مرتبط با رضایت زناشویی که پایه‌ی استحکام بخش زندگی خانوادگی است، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین در صورت توجه به عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی می‌توان انتظار داشت که با افزایش سطح رضایت‌مندی زناشویی بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی خانواده‌ها کاهش یابد. اهمیت این موضوع که ویژگی‌های شخصیتی یکی از عوامل بسیار مهم در تعیین نارضایتی یا رضایت‌مندی زوجین می‌باشد، به وضوح دیده می‌شود. سالیان سال است که محققین بسیاری به اهمیت این ویژگی‌ها تأکید دارند و تحقیق و پژوهش‌های بسیاری در این رابطه صورت گرفته است و هر کدام به نحوی بر اهمیت این ویژگی‌ها بر رضایت زناشویی تأکید کرده‌اند و به همین دلیل ضرورت در این دیده شد، که رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی در جامعه سنجیده شود، تا شاید بتوانیم راهکاری برای رفع مشکلات زناشویی زنان در جامعه مورد نظر و رضایت‌مندی آن‌ها ارائه دهیم.

یکی از عمده‌ترین دلایلی که محقق را بر آن داشته که در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی به پژوهش بپردازد، رشد روز افزون طلاق در اکثر کشورها از جمله ایران، افزایش تعارضات زناشویی و اختلاف بین همسران، عدم درک زوجین از رفتار یکدیگر به ویژه در جامعه‌ی مورد مطالعه بوده است. یافتن راهکارهای مناسب جهت افزایش رضایت زناشویی با دستیابی به ویژگی‌های شخصیتی در حد قابل ملاحظه‌ی می‌تواند مسیر زندگی خانوادگی یعنی تعامل شخصیت‌های که باید در ارتباط مداوم با یکدیگر باشند را بهبود می‌بخشد و با توجه به نتایج تحقیق موجود، به افراد آموزش داده می‌شود که چگونه با وجود ویژگی‌های شخصیتی متفاوت و به طبع آن الگوهای تعاملی متفاوت، با یکدیگر سازگار باشند و به این ترتیب باعث کارکرد مثبت زن و شوهر، فرزندان، خانواده و به طور کلی جامعه‌ی قابل ملاحظه‌ی خواهد شد.

برخی ازدواج‌ها مشوق رشد و شکوفایی اشخاص است، در حالی که بسیاری از زن و شوهرها، می‌توانند برای یکدیگر موجبات مصیبت‌هایی از قبیل تنها گذاشتن، ناکام کردن، شقاوت، تعارض و حتی قتل را فراهم کنند و یا این‌که منتظر مرگ یکدیگر باشند (ثنایی، ۱۳۷۸). مطالعات کتل و نسلرود (۱۹۶۷)، نشان داد که زنان و شوهرانی

<sup>۱</sup> - Genevece

<sup>۲</sup> -Stephan

<sup>۳</sup> - Barelds

که هر دو برون‌گرا هستند به احتمال زیاد دارای زناشویی پایدارتری هستند. به عبارت دیگر، اگر هر دو همسر درون‌گرا یا هر دو برون‌گرا باشند، به احتمال زیاد در ازدواج موفق‌تر هستند. همچنین نمره‌ی پایین در اضطراب در هر دو زن و شوهر پایداری ازدواج را بالا می‌برد (پاشا شریفی، ۱۳۸۰).

عامل مهم دیگری که باعث ضرورت انجام چنین پژوهش شده است این است که، ازدواج از مهم‌ترین رخدادهای زندگی هر فردی است، لذا توجهی در خور اهمیت خود را می‌طلبد. اهمیت موضوع ایجاب می‌کند که هنگام همسرگزینی علاوه بر عوامل عینی نظیر مذهب، طبقه‌ی اجتماعی، نحوه‌ی لباس پوشیدن، سن، قیافه و سطح تحصیلات به عوامل زیربنایی از جمله ویژگی‌های شخصیتی نیز توجه شود تا انتخابی درست میسر گردد. بر این اساس می‌توان از پژوهش حاضر در راستای مشاوره‌ی پیش از ازدواج و به عنوان عاملی پیشگیرانه استفاده کرد. زمانی که دو فرد از تفاوت‌ها و شباهت‌های شخصیتی یکدیگر آگاه شوند انتخاب مناسب‌تری را براساس شخصیت خود انجام می‌دهند و سازگاری و رضایت زناشویی بیشتری از زندگی خواهند داشت.

بوئن در نظریات و تحقیقات خود می‌داند که الگوهای تعاملی میان زوجین می‌تواند با جایگاه هر یک از طرفین در خانواده‌ی مبدأ خودش ارتباط داشته باشد، چرا که ترتیب تولد در بسیاری از مواقع می‌تواند نقش‌ها و کارکردهای موجود در نظام عاطفی خانواده‌ی فرد را پیش‌بینی کند. بر این اساس، فرزند اولی که با همسری ازدواج کرده است که کوچک‌ترین بچه بوده است، احتمالاً مسولیت‌پذیر بوده و تصمیم‌ها را او می‌گیرد. این رفتار از سوی همسر مورد انتظار است، زیرا تجارب او به عنوان کوچک‌ترین فرزند چنین بوده است. در همسرانی که در خانواده‌های خویش فرزند آخر بوده‌اند، امکان دارد هر دو از لحاظ مسولیت‌پذیری و تصمیم‌گیری شدیداً تحت فشار قرار بگیرند. ازدواج دو فرزند اول می‌تواند بسیار رقابت‌آمیز باشد، زیرا هر کدام از همسران با مفهوم صاحب‌اختیار بودن آشنایی دارند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۹۹۱، ترجمه‌ی شاهی و همکاران، ۱۳۸۶).

عامل سوم که محقق را به این پژوهش واداشت، عدم وجود تحقیقاتی در رابطه با اثر ترتیب تولد بر رضایت زناشویی در تحقیقات داخل و تعداد بسیار اندکی در تحقیقات خارجی بود. فقر پیشینه‌ی پژوهشی و خلاء که در این رابطه احساس شد محقق را بر آن داشت تا به این موضوع بپردازد که آیا ترتیب تولد نقش پیش‌بینی‌کننده‌ی رضایت زناشویی دارد یا خیر؟ با این وجود که اثر ترتیب تولد بر هوش، هیجان‌خواهی، سوء مصرف مواد مخدر، افسردگی در تحقیقات دانشمندان تأیید شده است و هیچ‌گونه تحقیق جامعی در رابطه با ترتیب تولد و رضایت زناشویی موجود نبود، و یا حدالمقدور در دسترس محقق نبود.